

# تحلیلی بر عناصر و کاربری‌های شهری در شهرهای اسلامی

دکتر اصغر ضرابی\* کاووس علی‌نژاد طیبی\*\*

## چکیده

شهر، مهم‌ترین عرصه‌ی زیست انسان و بزرگ‌ترین سلول تمدنی است و مطالعه تأثیر و تأثر این عرصه جایگاه ویژه‌ای دارد. امروزه مسأله‌ی مهم این است که در جامعه‌ی اسلامی بسیاری از سنت‌های اسلامی در شهرسازی مورد غفلت واقع شده و شهرها رنگ و جلوه‌ی غربی به خود گرفته‌اند. بانگاهی گذرا به سیما و یافتن کالبدی شهرهای ایران بسیاری از عناصر واجزای شهری را که نقش عمده‌ای در عملکرد و حیات زندگی شهری دارند می‌توان مشاهده کرد. در این مقاله ضمن بررسی تاریخی شهر اسلامی و ساخت فیزیکی آن، عناصر اصلی زندگی شهری در دوره‌ی اسلامی و ابعاد فیزیکی و اجتماعی آنها مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت، همان‌گونه که تفکر هوشمند دیروز، شهرها را به عنوان میراثی پایدار تا به امروز به دست ما به امانت نهاده‌اند، پشتوانه قوی فرهنگی و مذهبی کشور ما و هویتی که شهرهای ما در دوره‌های تاریخی گوناگون داشته‌اند لزوم یک جهت‌گیری کارشناسانه در بحث سیمای شهرها را (که یکی از شاخه‌های مدیریت شهری است) شدت می‌بخشد. روش عمده به کار گرفته شده در این مقاله، از نوع توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و در نهایت پیشنهادهایی در رابطه با تحول شهرهای اسلامی امروزی با رویکرد معماری اسلامی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** شهر، کاربری شهری، شهرهای اسلامی، معماری اسلامی.

## ۱ - مقدمه

یکی از فضاهای جغرافیایی که از دیرباز، انعکاس‌دهنده‌ی ایدئولوژی نظام‌های حاکم بوده، پدیده‌ی شهر است. بر این اساس، شهر اسلامی بازتابی از اندیشه‌های متعالی دین مبین اسلام در تمامی جوانب می‌باشد (رحیمی، ۱۳۸۶: ۹۰). بین اسلام و زندگی شهری، رابطه‌ی خاصی وجود دارد و ترویج اسلام با توسعه و ترویج زندگی شهری متجلی شده است. تاریخ اسلام، با پی‌ریزی و ایجاد انواع مختلف شهر آغاز شده است. اسلام به عنوان یک فضای فرهنگی و یک فضای ارتباطی ممتاز، بر مناظر شهری، سیمای ظاهری شهرها، ساختارهای آنها، نحوه‌ی کار آنها، ارتباط آنها با یکدیگر و با محیط اطرافشان تأثیر گذاشت (ملکشاهی، ۱۳۸۰: ۱۶۱).

در راه شناخت ویژگی‌ها و مشخصات شهر اسلامی، ابتدا لازم است با ایدئولوژی اسلامی آشنا شویم. در این میان تأثیر عامل جهان بینی و ارزش‌های دینی - مذهبی بر ساخت و تولید فضاهای شهری به ویژه در دوره اسلامی بسیار تعیین‌کننده و مهم می‌باشد. شهر بر پایه‌ی جهان بینی ساخته می‌شود و عالی‌ترین نمود اشغال و تصرف فضا بر مبنای عقیده و ایده است. شهر اسلامی برای خود چشم‌انداز ویژه‌ای خلق می‌کند. اگر این چشم‌انداز را به عنوان یک نظام قابل اهمیت که ارزش‌های جامعه را نشان می‌دهد در نظر بگیریم، متونی هستند که می‌توانند بازگوکننده‌ی هویت و اعتقادات مردم یک ناحیه و ساکنان یک منطقه باشند (قرخلو، ۱۳۸۳: ۲). در واقع مناظر شهر اسلامی تفسیر باورهای دینی و زندگی اجتماعی مردم است که از طریق زندگی جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر به سوی حفظ بقای جامعه به وجود آمده است.

به‌طور کلی با عنایت به ارتباط جهان‌بینی و فرهنگ و معماری و شهرسازی، در هر جامعه‌ای از جمله در جامعه‌ای با تفکر اسلامی و فرهنگ ایرانی متکی بر آن، اگر چنانچه رشد و تعالی این فرهنگ و ترویج ارزش‌های آن و احراز هویت جامعه در برابر بیگانه و بازگشت جامعه به خویش و توجه به شأن و کرامت انسان و حفظ محیط طبیعی و ایجاد رابطه‌ای مناسب بین انسان و محیط و از این قبیل امور معنوی و مادی مد نظر باشد، توجه به معماری و شهرسازی اسلامی ضرورت تام دارد (نقی زاده، ۱۳۸۸: ۸).

یکی از عناصر معماری و شهرسازی اسلامی که منعکس‌کننده‌ی این نوع معماری است، عناصر و کاربری‌های شهری در شهرهای اسلامی است که برای مطالعه در اصول ساختن شهرهای اسلامی لازم است ابتدا عناصر، کاربری‌ها و قسمت‌های مختلفی را که یک شهر اسلامی بدان احتیاج دارد، مورد بررسی قرار گیرد.

در مقاله‌ی حاضر، برخی تأملات در باب عناصر و کاربری‌های شهر اسلامی مطرح می‌شود. زیرا علاوه بر اینکه شکل شهر و عناصر آن بازتاب دهنده‌ی ساختار اجتماعی و اقتصادی مسلط بر جامعه‌ی شهری است، مناسبات اقتصادی- اجتماعی هر شهر نیز در کنار سایر عوامل مهم (آموزه‌های اعتقادی مسلط، شرایط طبیعی و جغرافیایی و...) تأثیرات عمیقی بر چگونگی ترکیب و آرایش عناصر اصلی زندگی شهری و تعیین ویژگی‌های اصلی بافت آن بر جای می‌گذارد.

## ۲ - مفهوم شهر اسلامی

در منابع مختلف برای شهر اسلامی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. شهرسازان بر اساس معماری حاکم بر شهرها آن را شهری می‌دانند که براساس فرهنگ اسلامی ساخته شده است. در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این عامل نظام و هویت می‌یابد (ایازی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

به این ترتیب شهر اسلامی ماهیتی است ثابت که در هر مکان و زمان تجلی ویژه خویش را خواهد داشت. به عبارت دیگر، شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند در هر زمان و مکانی با توجه به فناوری و مصالح و دانش و هنر و فرهنگ بومی- که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشند- تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۸۱).

به‌طور کلی فرهنگ اسلام که نوع خاصی از فرهنگ دینی با نمود مردمی است، دو نوع تأثیر عمده بر شهرهای ما گذاشت:

۱- تغییر رفتار شهرنشینی مردم،

۲- تحول صورت ظاهری شهرها.

هم‌چنین اسلام با دو استراتژی رویه توسعه شهرها را تغییر داد:

الف- تولد عناصر جدید شهر: فرهنگ جدید نیازمند عناصر جدیدی بود که ظهور آنها، تأویل جدیدی از تبلور کالبدی شهر را ارائه می‌کرد. معماری بناهای جدیدی را به این جامعه هدیه داد. مساجد، تکایا، امامزاده‌ها، مدارس قدیم و... از دیگر عناصر خاص این دوره است.

ب- تغییر و تکامل عناصر قدیمی: بازارها و محلات نیز در این دوران تعاریف کاملی به خود گرفتند، به‌طوری که تصویر ذهنی ما از این عناصر همان است که در دوره اسلامی شکل گرفته است. میادین، راه‌ها و کاروانسراها نیز از جمله این عناصر هستند.

به‌طور کلی، شهر در دوره‌های قبل از اسلام و در ایران باستان، طی دوره‌ای نسبتاً طولانی، تحول تدریجی خود را از نظامی تا اجتماعی پشت سر نهاد و تغییر شکل یافت. ورود مسلمانان به ایران و فتوحات آنها برخلاف دیگر تنهاجم‌های تاریخ، نه تنها اثر تخریبی بر شهرهای ایران بر جای نگذاشت بلکه در اندک زمانی زمینه‌های رشد سریع آنها را فراهم آورد (شعائر، ۱۳۶۶: ۱۶۷).

بایستی به این نکته نیز اشاره کرد که استمرار موجودیت عناصر شهر باستانی ایران در دوره اسلامی، به‌معنای تداوم نظام اجتماعی- اقتصادی دوره‌ی باستانی در دوره‌ی اسلامی نبود، بلکه در شرایط گذار از نظام اجتماعی خاص دوره‌ی باستانی و استقرار و تثبیت شکل بندی اجتماعی- اقتصادی جدید جامعه ایران در دوره اسلامی، عناصر اصلی شکل شهر ایرانی بر اساس الگوی جدید سازماندهی و سامان‌یابی مجدد می‌شود، به‌گونه‌ای که شکل جدید شهر ایرانی همچون برآیند نیروها و مناسبات اجتماعی مسلط در شهرهای ایران، وضعیت پویا و در حال تحولی را نشان می‌دهد.

الگوی برآمدن شهر ایرانی- اسلامی در منطقه شهری - که به ریش مشهور شد - بر اساس الگوی شهرنشینی تکامل یافته‌تری صورت می‌گرفت که خود بازتابی از شرایط سیاسی، فرهنگی اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران بود. در این الگو عناصر اصلی زندگی شهری، در منطقه ریش استقرار می‌یافتند. الگوی مزبور نشانگر گذار مناسبات اجتماعی از نظام اجتماعی باستانی ایران به نظام اجتماعی جدید ایران در دوره اسلامی و انعکاس آرمانی آن در شکل شهر ایرانی- اسلامی بود (یوسفی فر، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

## ۳ - اصول معماری شهرهای اسلامی

اصول و معماری اسلامی که در رأس آن معماری اماکن مذهبی و مساجد قرار دارد را می‌توان به پنج اصل به شرح ذیل تقسیم کرد:

۱ - مردم‌داری: به معنای داشتن مقیاس انسانی است، که می‌توان آن را در عناصر مختلف معماری اسلامی

مشاهده نمود.

۲ - نیارش: که به مجموعه چیزهایی که بنا را نگاه می‌دارد، اطلاق می‌گردد. نیارش شامل استاتیک بنا، علو یا فن ساختمان و مصالح‌شناسی در آن است.

۳ - خود بسندگی: بدین معنا که، سازندگان بنا سعی می‌کنند تا مصالح مورد نیاز را از نزدیکترین مکان‌ها و با ارزان‌ترین بها به دست آورند.

۴ - درون‌گرایی: در ساخت یک بنا و نحوه‌ی ارتباط آن با فضای خارجی لحاظ می‌گردد. به این معنا که بنا به گونه‌ای ساخته می‌شود تا همه فضای درونی آن با هم ارتباط مستقیم پیدا می‌کنند (پیرنیا، ۱۳۷۱: ۹۱).

#### ۴ - عناصر شهری در شهرهای اسلامی

##### ۴-۱ - مسجد (کاربری مذهبی)

دولت اسلامی در شهر متولد می‌یابد و با توجه به اینکه تشکیل این دولت برای اولین بار در مسجد صورت می‌گیرد، بنابراین وجود مسجد جامع به یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می‌گردد. این امر تا آن حد اهمیت دارد که در دوران اولیه دولت اسلامی و قبل از تشکیل حکومت‌های محلی، سکونتگاهی به مقام شهر می‌رسد که صاحب جامع باشد. مسجد جامع علاوه بر نقش مذهبی خود، نقوش سیاسی و اجتماعی بسیار قوی را نیز داراست.

در تمدن اسلامی، مساجد علاوه بر اینکه عامل اصلی تشکیل شهرها بودند، تعیین‌کننده‌ی الگوی کلی و هویت مشترک شهرهای اسلامی نیز به شمار می‌رفته‌اند. شهرهایی که به دست مسلمانان تغییر شکل یافتند یا احداث شدند، حیطه‌ی وسیعی از اقیانوس اطلس تا شبه قاره هند را دربر گرفته و علی‌رغم تنوع اقلیم و فرهنگ‌های بومی، با ساختار و الگویی یگانه ظهور نموده‌اند که مساجد در این فرآیند نقش کلیدی را بر عهده داشته‌اند (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۱۱).

برخلاف دیگر اماکن مذهبی نظیر کلیساها، در مساجد که حاصل کار معماران آگاه و عارف می‌باشد، تضاد میان فضای درونی و برونی اماکن از میان رفته است. به عبارت دیگر، میان مسجد و جامعه اسلامی پیوندی پیوسته وجود دارد، چنان که صحن مساجد معمولاً دارای درها و دروازه‌هایی است که از دو یا سه طرف، ارتباط مردم محلات را با مراکز شهر و بازار تسهیل می‌نماید (عرفان، ۱۳۸۷: ۵).

شهر اسلامی بیش از آنکه منزلگاهی برای قافله‌های عزم نواحی دوردست یا دژی برای حمایت از مؤمنان در برابر هجوم دشمنان باشد، محلی است که در آن همگان در تصمیم‌گیری و اجرای امور به‌ویژه در سطح محله‌ای، مشارکت داشته و مساجد به عنوان میعادگاه چنین مشارکت و تجمع، از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشند (جلیط، ۱۳۷۲: ۳۹).

در شهرها و محلات اسلامی، مساجد و فضاهای وابسته به آن همراه دیگر مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهرها را به وجود می‌آورند. در شهرهای اسلامی، محلات مسکونی، بازار و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاصی حول محور مساجد قرار گرفته‌اند.

در شهرها و محلات ایران، مساجد به همراه زیارتگاه‌ها و تکایا، چنان در چشم اندازه‌های فرهنگی مؤثر واقع می‌شوند که در غالب آنها، تنها ساختمان مرتفع شهری، این اماکن هستند. هم‌چنین در بافت شهری و

محل‌های، نقش مسجد آن قدر تعیین‌کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعریض باز می‌دارد، به پاره ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی‌دهد و در عین حال برخی حرفه‌ها را به شدت جذب می‌کند (شکویی، ۱۳۵۴: ۴۰۵).

امروزه در شهرهای اسلامی به فراخور گستردگی و جمعیت آنان تعداد قابل توجهی مساجد بزرگ و کوچک وجود دارد که نقش عمده‌ای در منظر غالب شهرها تشکیل می‌دهند و چهره و نمایی خاص به شهرها بخشیده‌اند همانند مسجد جامع یزد، مسجد جامع و مسجد امام اصفهان و... لازم به ذکر است که بیشتر مساجد شهرها که کانون‌های گرم شهرهای اسلامی‌اند دارای مناره‌ها و گنبد می‌باشند که بنا به فراخور ساخت آنها در سیمای شهرها چهره‌ای ویژه دارند.

#### ۲-۴ - خانه‌ها و کاربری‌های مسکونی

اولین و پایدارترین تأثیراتی که یک انسان از محیط فیزیکی و فضای فرهنگی زندگی خود کسب می‌کند، در خانه و در میان خانواده روی می‌دهد. خانه‌ی هر انسان مأمن اوست و این مقام امن عهده دار تأمین دو رشته نیازهای امنیتی انسان است: ۱- نیازهای امنیت جسمی ۲- نیازهای امنیت روحی و روانی. خانه‌هایی که کالبد فیزیکی شهر اسلامی را شکل می‌بخشد، از دو اقتضای اقلیمی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد. اصل اساسی در این میان عبارت از تعالی و گشادگی روحی انسان مسلمان و احساس امنیت جسمی و روحی او است (فیاض انوش، ۱۳۸۷: ۳۱۳).

خانه‌ی شخصی، فضای داخلی بسته‌ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می‌آید. پنجره‌ها کمتر به خانه‌های مجاور و کوچه‌ها اشراف دارند. البته پنجره‌ها چنان مشبک تهیه گردیده‌اند که افراد داخل منزل بتوانند فضای اطراف و مناظر محله‌ای را نظاره‌گر باشند بدون این که خودشان دیده شوند. در شهرهای اسلامی کهن، هیچ نشانه‌ای از خانه در نخستین وهله، میزان تمکن و دارایی ساکن خانه را مشخص نمی‌نمود. آن چه محلات زیبا را از خانه‌های ساده‌تر تفکیک می‌نمود، وجود مجموعه‌های ساده متوالی و متحدالشکل بود. در صورتی که در نوگرایی جدید، منطقه‌بندی و تقسیم‌بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی را ترسیم می‌نماید (بمات، ۱۳۶۹: ۱۱۶).

تفکیک حریم‌های خانوادگی از فضاهای دیگر به صورت اندرونی و بیرونی در ساخت خانه‌ها و جداسازی فضاهای اختصاصی از فضاهای عمومی، یعنی گذرگاه‌ها از طریق دیوار بلند و نصب در ورودی برای کنترل رفت و آمد به فضاهای اختصاصی و حیاطها از موارد رعایت اصول معماری است (رهنمایی، ۱۳۸۶: ۴۸). واحدهای مسکونی اغلب دارای مدخل ورودی L شکل بوده‌اند تا از دید جلوگیری کنند. اسلام بر خصیصه پوشیدگی و حجاب در زندگی خانوادگی تأکید دارد. خانه همواره در یک سطح ساخته می‌شود و شهر شامل مجموعه‌ای از خانه‌هایی است که فضای داخلی آنها از خارج قابل رؤیت نباشد.

#### ۳-۴ - بازارها (کاربری‌های تجاری)

واژه‌ی بازار در فارسی میانه و ادوار آن به صورت‌های وزارت یا ترکیب‌هایی مانند وازارگ(بازاری) و وازارگان(بازرگان) به کار می‌رفته، و در پارتی به صورت وازار استعمال می‌شده است. بازار از آن عناصری است که در تمدن‌های مختلف نمود بارزی دارد و با این‌که وظیفه اصلی آن رونق اقتصادی جامعه است، ولیکن محل شکل‌گیری بسیاری از حرکت‌های فرهنگی و سیاسی هم بوده است. بازارها که از مهم‌ترین اجزای شهرهای تولیدی-بازرگانی بوده‌اند، نقش بسزایی را در رشد و توسعه شهرها بر عهده داشته‌اند. بازار نیز چون مسجد از اشکال بسیار ساده آغاز کرده و در تحول خود به پیچیدگی فضایی و انتظام کامل

دست یافته است. می‌توان از بازار به عنوان ستون فقرات شهر دوره‌ی اسلامی نام برد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت وجود قرینه‌های از پیش موجود بازار و میدان، به این دو عنصر نقش اساسی در سازماندهی شهر دوره اسلامی می‌بخشد، به گونه‌ای که با تقریبی نزدیک به یقین می‌توان از بازار و میدان به عنوان عناصر اصلی متشکله‌ی شهر دوره اسلامی یاد کرد (حبیبی، ۱۳۸۳: ۴۶).

به‌طور کلی بازار از مشخصه‌های مهم شهرهای اسلامی محسوب می‌شود که هنوز هم با گذشت قرن‌ها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده است. اساساً فضای بازار تنها به دادوستد و بازرگانی اختصاص نداشت بلکه به مثابه مهم‌ترین شاهراه حیاتی شهر برخی عناصر مهم شهری را در خود جای می‌داد. بازار از نظر کارکردهای اقتصادی - اجتماعی قدرت و دامنه نفوذ وسیعی داشت. ویژگی‌های کارکردی بازار و پیوند با مراکز مهم سه‌گانه سیاسی - اقتصادی و مذهبی موجب جریان یافتن همه فعالیت‌های اجتماعی به سوی بازار می‌شد در هنگام

بحران‌های اجتماعی، سیاسی، به‌خصوص در مقابله با عوامل خارجی، بازار به عنوان سنگر اجتماعی مردم فعال می‌شد (نظریان، ۱۳۸۳: ۲۶).

می‌توان گفت که بازار پدیده‌ای است شهری و در عین حال عاملی است برای پیدایش شهرنشینی و همواره به صورت بافت غذا دهنده اصلی شهر، انجام وظیفه کرده و می‌کند. در بیشتر شهرهای اسلامی، بازار به صورت هسته مرکزی بافت سنتی و قدیمی شهر بوده و به عنوان قلب تپنده در پهنه شهری جای گرفته است (شفقی، ۱۳۸۷: ۲۲۲). از جمله بازارهای قدیمی در شهرهای ایران می‌توان به بازار اراک، بازار اصفهان، بازار تبریز، بازار تهران، بازار قزوین، بازار قیصریه لار، بازار کاشان، بازار کرمان، بازار وکیل شیراز و بازار یزد اشاره کرد.

#### ۴-۴ - محله

محله عبارت است از بخش کوچکی از شهر یا آبادی که ساکنین آن در برخی از هدف‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قومی، دینی و مذهبی و یا صاحبان حرف و پیشه و حتی مبدأ شهری یا روستایی، مشترک باشند (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۷۹). بخش مسکونی شهر اسلامی را محله‌ها تشکیل می‌دهند که ساختار ویژه‌ای دارند و در حقیقت شهر اسلامی را می‌توان مجموعه‌ای از مناطق و محلات متجانس و همگن دانست. عدم تفکیک طبقات اجتماعی از خصیصه‌های بارز محلات شهر اسلامی است که فقیر و غنی در یک محله مشترک زندگی می‌کنند (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۷).

محله در شهر اسلامی سکونتگاه گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و صاحبان پیشه‌ها است. محلات در شهرهای اسلامی از اجزاء اصلی و فرعی تشکیل می‌گردد که عوامل فضائی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در آن دخالت داشته است. اجزای محله را منازل مسکونی، بن‌بست‌ها و کوچه‌ها و بالاخره تأسیسات عمومی مرکز محله نظیر مساجد، عبادتگاه‌ها، بازارچه‌ها و... تشکیل می‌دهند (اشرف، ۱۳۵۴: ۲۴). از طرف دیگر همکاری و تعاون بین افراد یک محله و حمایت اجتماعی و اقتصادی آنان از همدیگر به صورتی است که فقدان قوانین و مقررات برای تأمین امنیت اجتماعی فرد را تا حدودی جبران می‌کند.

به‌طور کلی فعالیت‌های محله در سه بخش عمده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل رؤیت است. در بخش اقتصادی فعالیت بازارچه و حجم معاملات نسبتاً زیاد است. تولیدات مختلفی در محله انجام می‌گیرد و مشتریانی را گاهی در خارج از محله جذب می‌نماید. در بخش اجتماعی همیاری در مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. مشارکت افراد محله از طریق شورا و پرداختن به مسایل آموزشی، مدرسه‌سازی، کنترل مسائل اجتماعی و تعاون بین هم محله‌ای‌ها است. در بخش فرهنگی وجود حسینیه و مساجد و هیأت‌های مذهبی، کاروان‌های سیاحتی - زیارتی. فعالیت کانون‌های فرهنگی، مراکز هنری، در راستای برآورد نیازمندی‌های کودکان و نوجوانان برای قبول مسئولیت اجتماعی و در جهت پرکردن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان بسیار مهم است.

#### ۴-۵ - مدارس و کاربری‌های آموزشی

علاوه بر وجود مسجد جامع و بازار که از خصایص ویژه و کالبدی شهرهای اسلامی است مدارس نیز از ویژگی‌های منحصر این‌گونه شهرها است. در آغاز یکی از نقش‌های مهم مسجد پرداختن به امر آموزش بود. در قرن‌های دوم و سوم هجری شمار مکتب‌ها و معلمان روبه افزایش نهاد. خصوصیت مهم مدرسه‌ها یعنی جنبه‌ی مذهبی آنها یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده‌ی موقعیت آنها در شهر بود (نظریان، ۱۳۸۳: ۲۷). اغلب مدارس بزرگ اسلامی در امتداد یا در جوار بدنه بازار و راسته‌های اصلی شهر احداث می‌شدند. شهرهایی مانند تبریز، اصفهان و یزد نمونه‌هایی بارز از این موضوع هستند.

مدرسه از تحولات دیگر مساجد است اما باید گفت در گذشته مسجد و مدرسه گاه به جای هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند و حتی اگر بخواهیم از مدارس کهن کشورهای اسلامی آغاز سخن کنیم باید مساجد را مورد توجه قرار دهیم و بعد از آن هم که ساختن مدرسه برای تعلیم علوم شرعی معمول شد معماری مخصوص مساجد در آنها موثر واقع گردید. حتی باید در نظر داشت که پس از ایجاد و توسعه مدارس، مساجد نیز جنبه تربیتی و تعلیمی خود را حفظ کرد.

ایجاد مدارس از قرن چهارم به بعد در شهرهای ایران اهمیت یافت و حتی موقوفاتی نیز به آنها اختصاص یافت. جنبه‌های مذهبی به عنوان خصوصیت برجسته آنها بدان‌ها موقعیتی با اهمیت می‌بخشید. مدارس علاوه بر کارکردهای مذهبی دارای کارکردهای سیاسی و اجتماعی بودند. مسجد و مدرسه چهارباغ اصفهان نمونه‌ی جالبی از بناهای اسلامی است که تأثیر فرهنگ مذهبی، و ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی در آن آشکارا به چشم می‌خورد.

#### ۴-۶ - میدان

میدان عرصه‌ی نمایشی است برای زندگی یک شهر که از حرکت، کوشش و تلاش برای زندگی و سرزندگی شهروندان خبر می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). میدان به عنوان یک فضای شهری با حضور و مکث معنی‌دار انسان و به منظور و مقصود معینی در ارتباط با حرکت جمعیت موجودیت می‌یابد و علاوه بر آن جلوه‌های روشنی از یک فضای ایجادکننده‌ی ارتباط، تماس و فعالیت آدمی را نمایان می‌سازد. مطالعه شهر از دوران کهن، به خصوص شهرهای ایران بعد از اسلام، تا زمانی که شهرسازی از لحاظ ورود مفاهیم تازه، غریبه و گسستن از ارزش‌های گذشته‌ی خود قرار نگرفته است، گویای آن است که همواره میدان نیز همچون دیگر اندام‌های مؤثر و کارکردی، در حیات جاری شهر، حضوری مؤثر دارد.

به عبارت دیگر می‌توان گفت که در شهرهای دوره‌ی اسلامی، نقش و عملکرد میدان از قبل مهم‌تر می‌شود و می‌توان از بازار و میدان به عنوان عناصر اصلی شهر اسلامی یاد کرد. به طوری که میدان از دوره‌ی سلجوقیان به بعد شروع به تثبیت خود کرد و در دوره‌ی صفویه به مفاهیم عمیق و کارآمدی در معماری و شهرسازی رسیده و در دوران قاجار به نهایت نقش خود دست یافته است.

در قرون اولیه اسلامی، در میانه و پیرامون میدان بزرگ شهر فقط مسجد جامع و کاخ‌های حکومتی و ساختمان‌های نگاهبانی قرار داشت. در اواخر قرن سوم هجری میدان‌های بزرگی ساخته می‌شود که اطراف آن دیوارهای مختلف، کاخ حکومتی، مسجد اعظم (اغلب جامع) و بازارها برپا می‌شود. بارزترین نمونه‌ای که از روزگاران پیشین به جای مانده را می‌توان در میدان کهنه اصفهان جست‌وجو کرد (حبیبی، ۱۳۸۳: ۶۴).

در قرن‌های پنجم و ششم کالبد شهر عبارت بود از میدان اصلی و بزرگ (اغلب در میانه شهر) که پیرامون آن کاخ‌ها، دیوان‌ها، قرار داشت و دهانه اصلی بازار به آن باز می‌شد. میدان رفته رفته اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و از این دوره با نقش و عملکردهای متفاوتی چون تجاری، فرهنگی، ورزشی، مذهبی، اداری و

حکومتی کار اتصال شهرکهن و توسعه جدید آن را نیز برعهده می‌گیرد. راه‌های اصلی منشعب از دروازه‌ها می‌بایست به بازار برسند و نقش اتصال آنها با بازار را میدان برقرار می‌سازد (برومند، ۱۳۷۴: ۱۹).

#### ۴-۷ - شبکه معابر

فضاها و عناصر مختلف شهرها توسط شبکه راه‌ها و ارتباطات به همدیگر متصل شده و شهروندان از طریق شبکه‌های ارتباطی به شهر تحرک و جنب و جوش می‌بخشند. برحسب عوامل مختلف و نیازهای گوناگون شبکه معابر نیز انواع گوناگونی را شامل می‌شود. در واقع نمی‌توان به شبکه شهرهای قدیمی ایران نام آشفته داد. چرا که این شهرها در زمان شکل‌گیری و توسعه و برحسب نیازمندی‌های زمانی، مکانی، فرهنگی، جغرافیایی و... به ایجاد چنین شبکه‌بندی‌هایی پرداخته‌اند.

در گذشته احداث شبکه گذرگاهی شهرها هر چند ممکن بود ضوابط و قانونمندی‌های خاصی نداشته باشد، تابع اصول کلی به شرح ذیل بود:

- راه‌های اصلی کاروان رو پس از ورود به شهر تقریباً به طور مستقیم به بازار ختم می‌شد؛
- محدود بودن راه‌های دسترسی و ورود به ارگ و کهندژ به علت رعایت اصول ایمنی و امنیتی؛
- بسند کردن به کوچه‌های تنگ و باریک به عنوان شریان‌های گذرگاهی در سطح محله‌ها و پرهیز از احداث خیابان‌های وسیع به علت ملاحظات دفاعی در زمان شکسته شدن دروازه‌ها و ورود دشمن به شهر؛
- استفاده از کوچه‌های بن بست و پریچ و خم در سطح کوی‌ها و برزنها به علت ملاحظات دفاعی و به هنگام کشیده شدن نبرد به جنگ تن به تن به طوری که مهاجمان نتوانند سواره وارد کوی و برزن شوند؛
- احداث راه‌های زیر زمینی یا مخفی برای گریز از شهر در مواقع بحرانی یا هنگام اشغال آن به وسیله نیروهای مهاجم؛

- احداث برخی گذرگاه‌های مسقف در شهرهای مناطق گرمسیری یا پرباران. به طور کلی عرض و کیفیت راه‌های ارتباطی درون شهری با جایگاه و عملکرد آنها در بدنه شهری ارتباط مستقیم داشت (رهنمایی، ۱۳۸۶: ۴۲).

علاوه بر آنچه که در بالا ذکر شد، در بسیاری از شهرهای قدیمی ایران که دارای بافت‌های با ارزش و فضاهای معماری و بناهای تاریخی هستند، می‌توان ویژگی بسیار جالبی را مشاهده کرد و آن عبارت است از وجود سلسله مراتب در شبکه‌های ارتباطی و معابر. این شبکه ارتباطی را چه در فضاهای بیرون محله‌ای و چه در داخل بافت پیچیده محلات می‌توان به فضای کاملاً خصوصی (خانه)، فضای نیمه‌خصوصی (هشتی و بن بست)، فضای نیمه‌عمومی (گذرگاه فرعی)، فضای عمومی (گذرگاه اصلی و بازارها) و بالاخره به فضای کاملاً عمومی (مساجد و میدان‌ها) تقسیم کرد (دهاقانی، ۱۳۸۳: ۳۴۳).

#### ۴-۸ - باغ‌ها و فضاهای سبز

طرح باغ‌های ایرانی و ساختمان‌های آن غالباً آمیزه‌ای از سبک معماری و باغ‌سازی پیش از اسلام و شیوه‌ی معماری سده‌های بعد که ویژگی‌های کلی معماری ایرانی را داراست و با نام معماری اسلامی شناخته می‌شود و برخی تأثیراتی است که از معماری و باغ‌سازی کشورهای دیگر پذیرفته می‌باشد (آریان پور، ۱۳۶۵: ۵۱). باغ‌های ایرانی همواره یکی از مصادیق بارز هنر، علو و ذوق ایرانی بوده و در همه منابعی که به معرفی و شرح شهرها و مجتمع‌های زیستی ایرانیان پرداخته‌اند توصیف باغ‌ها و ارتباط آنها با محیط ساخته‌شده سهم مهمی از مباحث را به خود اختصاص داده است. علاقه ایرانیان را به احداث باغ‌های بزرگ در داخل یا خارج شهرها و نیز باغچه در خانه‌ها، بیش از هر چیز باید معلول محیط گرم و خشک بخش عمده‌ای از ایران دانست. این علاقه در سراسر تاریخ مدون این سرزمین به چشم می‌خورد و بر اساس مدارک موجود پیشینه آن دست کم به زمان هخامنشیان می‌رسد (نقی زاده، ۱۳۸۲: ۳۳).



فضاهای سبز و باغ‌ها همیشه قسمت‌های جالب شهرها را تشکیل می‌داده‌اند. در سفرنامه‌های سیاحان و جهانگردان خارجی که به ایران سفر کرده‌اند، از شهرهای ایران به عنوان باغ شهرها و خانه‌های شناور در باغ‌ها و فضاهای سبز نام برده شده است. تبریز، شیراز و اصفهان از آن جمله‌اند. باغ‌ها و کاخ‌های ایرانی که غرق در فضاهای سبز بوده‌اند، علاوه بر اینکه جلوه‌ای از معماری را عرضه می‌کردند، الهام گرفتن از طبیعت و بهره‌گیری از سنت‌های معماری کهن را نیز نشان می‌دادند. ایرانی‌ها با ساختن باغ‌های مملو از درخت، نهایت استفاده را از منابع آب زیرزمینی و صرفه‌جویی در مصرف آب‌های سطحی می‌کرده‌اند.

باغ‌ها همیشه نقش مهمی را در برنامه‌ریزی شهرهای ایران دارا بوده‌اند. اشکال طرح باغ‌های ایرانی مبدأ و خاستگاه بسیار باستانی داشته و ایجاد آنها طرح و نقشه‌های شهری را تحت نفوذ قرار می‌داد، چرا که اغلب به صورت چهار باغ یا چهار گوشه طراحی می‌شده‌اند. در برنامه‌ریزی‌های شهری، اوج باغ شهرسازی در سمرقند و اصفهان دوره شاه عباس اول بوده است. از نمونه‌های بسیار جالب چهار باغ سازی می‌توان به ایجاد چهار باغ اصفهان اشاره کرد.

#### ۹-۴ - کاربری‌های تفریحی و اوقات فراغت

اوقات فراغت یکی از مهمترین محورهای زندگی شهری است و تفاوت بارزی از این لحاظ با زندگی روستایی را نشان می‌دهد. تفریح و سرگرمی امروزه به عنوان یک درخواست گروهی و یک ارزش اجتماعی ظاهر شده و در عین حال که نقش تمدد اعصاب و استراحت از کار روزانه را دارد، وظیفه دینامیک دیگر آن این است که شخصیت فردی و شکوفایی روحیه جمعی را نیز ایفا می‌کند (توسلی، ۱۳۷۳: ۱۵۶).

در شهر باستانی و شهر اسلامی، گشت و گذار در شهر شاید مهم‌ترین و اصلی‌ترین شکل گذران اوقات فراغت بود. این گذار با حضور در فضاهای عمومی شهر مانند بازار، مساجد، تکیه‌ها، خیابان‌ها و میدان‌ها انجام می‌شد. در طول دورانی طولانی که شهر اسلامی را مشخص می‌کند یکی از راه‌های شهرنشینی برای گذران اوقات فراغت خروج از شهر نیز بوده است. این بازگشت به «غیر شهر» و به طبیعت، معنایی نمادین در بر داشته و در عین حال راهی برای گریز از فشار زندگی پرتنش و متراکم شهری بوده است و باید گفت حتی در شهر مدرن نیز هنوز به مثابه یکی از روش‌های اساسی استراحت مطرح است (فکوهی، ۱۳۸۵: ۳۹۵).

#### ۱۰-۴ - حمام‌ها (کاربری‌های بهداشتی)

حمام‌ها به عنوان مراکز بهداشتی در کلیه محلات ایجاد می‌شده و به عنوان یک ضرورت در فرهنگ و اندیشه مردم وجود داشته است. حمام‌ها یکی از مهم‌ترین بناهای شهری پس از مسجد و مدرسه بوده‌اند. این فضاها همیشه به عنوان یک عنصر اساسی در نواحی مرکزی هر بخش شهری مطرح بوده‌اند. ایجاد حمام‌ها در شهرهای مختلف با آغاز گسترش اسلام در ایران و به ویژه در دوره عباسیان شدت گرفت. حمام‌ها در شهرها به عنوان یک عنصر شهری، فضایی را در محل‌های تقاطع معابر مکان‌های عمومی به خود اختصاص داده و هر حمام سرویس‌دهی به قسمتی از جمعیت شهر را به عهده داشته است (دهاقانی، ۱۳۸۳: ۳۵۵).

در شهرهای اسلامی حمام‌ها در گذرگاه‌های اصلی شهر، راسته بازارها و کاخ‌های حکومتی طوری ساخته می‌شد که برای تأمین آب بهداشتی و خروج فاضلاب مشکلی پیش نیاید. شاید بتوان گفت حمام‌ها پس از مسجد و مدرسه یکی از مهم‌ترین بناهای شهری محسوب می‌شدند. فضای اصلی هر حمام، شامل بینه، میان در و گرمخانه بود. به این ترتیب که هر یک از فضاهای فوق به وسیله راهرو و هشتی از فضای دیگر جدا می‌شد تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم شود. کف حمام‌ها از سنگ مرمر و دیگر سنگ‌ها پوشیده شده بود، از اره حمام با سنگ و کاشی تزئین می‌شد. از جمله تزئینات داخلی حمام‌ها آهکبری به صورت ساده و رنگی بوده است (مانند حمام گنجعلی خان کرمان، کردشت میانه و خسرو آقا اصفهان).

#### ۴-۱۱ - گورستان

گورستان یا آرامستان جای آرامیدن است و کلمات مشابه آن مزار، گورستان، قبرستان، آرامگاه، مرقد، بقعه، تکیه و زیارتگاه می‌باشد. به گونه‌ای خودجوش همراه با شکل‌گیری شهر، گورستان‌ها به صورت یک دانه شهری انفکاک‌ناپذیر در شهرها بنیان گذاشته شدند. در اعصار تاریخی همه ملت‌ها حتی مشرکین، گورستان‌ها نقش مهمی در سرنوشت شهرها ایفا می‌کردند و آداب و رسوم دفن اموات و شعائر مربوط به آن جزوی از فرهنگ اقوام و ملل را تشکیل داده است. این عنصر و کاربری از جمله مکان‌های مورد لزوم یک شهر بود که معمولاً در اطراف امامزاده‌ها و بقاع بزرگان مذهبی بنا می‌شده است. معمولاً سنگ قبر مقدسین اسلامی به وسیله معجزها و پرده‌ها پوشیده می‌شده است. گورستان‌ها در حیات فرهنگی شهرهای اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کنند. از صدر اسلام مزارت، جزوی از حیات شهر اسلامی و در کنار محلات واقع بود، زیرا زیارت قبور مسلمانان یک سنت و دستور نبوی است و برکات معنوی و تربیتی بی‌شماری دارد (منتظر القائم، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

مقبره‌های مذهبی در بیشتر شهرها و روستاها به امامزاده معروف شده‌اند و در مقایسه با سایر بناهای اسلامی (بجز مساجد) از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. امامزاده‌ها بیش از دیگر بناهای دوره اسلامی مورد احترام و علاقه مسلمانان به ویژه شیعیان هستند. بناهای فوق در طول زمان توسعه یافته و از یک آرامگاه معمولی به مجموعه‌های بسیار باشکوهی تبدیل شده‌اند، مانند مجموعه بناهای مشهد، قم، بسطام و شیخ صفی (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۰). تنها در ایران دوره اسلامی است که ایجاد مقبره‌ها و زیارتگاه‌ها از چنین پیشینه طولانی، ویژگی‌های معماری منحصر به فرد و تزئینات باشکوه برخوردار است. این گونه بناها به نام‌های برج، گنبد، بقعه و مزار نیز معروف بوده‌اند، مانند برج رادکان، گنبد قابوس یا بقعه شیخ صفی. گورستان‌ها، دانه‌های میراث فرهنگی و هویتی جوامع می‌باشند. بنابراین حفظ و حراست از مزارات سبب تقویت بنیه فرهنگی می‌گردد و تاریخ فرهنگ هر منطقه را برای ما روشن می‌کند.

#### ۴-۱۲ - آب انبارها

موقعیت اقلیمی مناطق مختلف ایران تأثیر زیادی در ابداعات معماری این سرزمین داشته است. از روزگاران کهن در کنار طرح‌های عمده تأمین آب مانند ایجاد قنات و ساختن سد، به ذخیره‌سازی آب‌های زمستانی و مصرف آن در فصل‌های کم آب و خشک سال نیز توجه شده است و «آب انبار» را به همین منظور بنا کرده‌اند. این فضا با توجه به شرایط اقلیمی ایران و کمبود آب در نواحی خشک کم باران کشور و به منظور جلوگیری از هدر رفتن آب به وجود آمده است. نقش آب انبارها در بافت شهرهای حاشیه کویر و منطقه‌های کم باران ایران در دوره پس از ورود اسلام چنان چشمگیر است که در بسیاری از آبادی‌ها، شهرک‌ها و محله‌های مختلف شهرهای بزرگی چون یزد، آب انبارها قلب آنها را تشکیل می‌داده است. آب انبارها به عنوان تنها منبع ذخیره و نگهداری آب در شهرهای کویری به حساب می‌آمده‌اند. نوع خانگی آن که حالت خصوصی داشته، بیشتر در میان روستاها، در کاروانسراها، در مسیر راه‌های کاروانی، در قلب محلات یا شهرهای کویری بوده است که به همراه مسجد، امامزاده، حمام، بازار و میدان، مجموعه مرکزی شهر را ارج و زندگی می‌بخشیده و شکل یابی محلات و کوچه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌داده‌اند.

#### ۴-۱۳ - کاروانسراها

کاروانسراها را می‌توان مهم‌ترین فضای معماری طراحی شده در بازارها و تقریباً همانند پاساژهای امروز دانست. یکی از علل پیدایش کاروانسراها را می‌توان محدود بودن طول راسته‌های بازار دانست. همان‌گونه که امروزه اگر یک خیابان تجاری بسیار پررونق شود به گونه‌ای که تمام دکان‌های واقع در امتداد آن پاسخ‌گوی نیاز موجود به فضاهای تجاری نباشد، به تدریج پاساژهایی در پشت دکان‌ها ساخته می‌شود و تنها ورودی آنها را به آن خیابان قرار می‌دهند و به این ترتیب به ظرفیت فضاهای تجاری یک خیابان افزوده می‌شود. در گذشته هم اگر بازار

اصلی یک شهر توسعه می‌یافت، این توسعه هم در جهت امتداد طول و محور راسته اصلی بازار صورت می‌گرفت و هم تعدادی کاروانسرا در پشت راسته اصلی و گاه در کنار راسته‌های فرعی ساخته می‌شد. از ابتدای قرن حاضر به تدریج در بازارها به جای واژه کاروانسرا، واژه سرا را به کار می‌برند.

کاروانسراها را از نقطه نظر عملکرد و نحوه استفاده می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: یکی کاروانسراهای مابین شهرها، دیگری کاروانسراهای بیرون از حصار شهرها و سومی کاروانسراهای شهری. کاروانسراها برحسب نقش و موقعیتی دارا بودند، در کنار خود عناصر خدماتی چون نانوايي، حمام، اصطبل، انبار علوفه، مخزن آب، آسیاب، بارانداز، دکان و...

را نیز داشتند (دهقانی، ۱۳۸۳: ۳۱۶).

کاروانسراها فضاهایی درون‌گرا و دارای یک حیاط مرکزی بودند که حجره‌هایی در چهار سمت آن در یک یا دو طبقه ساخته می‌شد. کاروانسراهای شهری محل عرضه کالا بود. معمولاً حجره‌های طبقه همکف را در بسیاری از کاروانسراها به عنوان دکان به عرضه کالا اختصاص می‌دادند و حجره‌های طبقه فوقانی بیشتر به صورت یک فضای دفتری و اداری به بازرگانانی اختصاص داشت که به صورت عمده به خرید و فروش کالاها می‌پرداختند. کاروانسراهایی که به مسجد جامع و مرکز شهر و راسته‌های عرضه کالاها گران‌بها نزدیک بودند، و معتبرتر جایگاه بازرگانان ثروتمند بودند، در حالی که کاروانسراهایی که در نزدیکی دروازه‌های شهر و راسته‌های ویژه عرضه کالاها ارزان قیمت بودند، بیشتر به پیشه‌وران و تولیدکنندگان اختصاص داشتند. خارج از عواملی که ذکر شد شهرهای اسلامی، از عناصر و دستگاه‌های علمی و رفاهی دیگری نیز برخوردار بوده‌اند که از آن جمله رصدخانه، کتابخانه، حسینیه و تکایا، خانقاه‌ها یا زاویه‌ها، سقاخانه‌ها و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

شهر، مهم‌ترین عرصه زیست انسان و بزرگ‌ترین سلول تمدنی است و مطالعه تأثیر و تأثر این عرصه جایگاه ویژه‌ای دارد. امروزه مسأله مهم این است که در جامعه اسلامی بسیاری از سنت‌های اسلامی در شهرسازی مورد غفلت واقع شده و شهرهای اسلامی امروزی، تقلید و تکرار ناقص الگوهای بیگانه و غربی هستند که از جهان‌بینی حاکم بر مغرب زمین نشأت گرفته‌اند که این جهان‌بینی با اصول و ارزش‌های منبعث از جهان‌بینی اسلامی در بسیاری از موضوعات و زمینه‌ها در تضاد و تناقض می‌باشد.

امروزه در شهرهای اسلامی ما، فقر الگوی مناسب برای توسعه مناسب شهر به شرط حیات باکیفیت بالا برای زندگی امروز و توجه به آینده که ما آن را به نام پایداری می‌شناسیم، مهم‌ترین عامل بازدارنده برای یک تجربه موفق طراحی است و غنای فرهنگی شهرهای کهن ما مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته‌اند.

بر این اساس شهرهای امروز ما نیازمند تحولی و رویکردی اساسی و منطبق با شرایط امروزی بوده که این رویکرد را می‌توان رویکرد معماری اسلامی نام نهاد. رویکرد معماری اسلامی در معماری و سیمای شهرها عبارت از شناخت عناصر این بخش از معماری، تطبیق آن با وضعیت فعلی شهرها (که در مفهوم پیشرفت قرار دارند) و در نهایت ایجاد بستر مناسب برای بازآفرینی هوشمندانه (نه صرفاً کپی‌برداری) این نوع از معماری است.

اگر زمانی ترکیب ایرانیّت و اسلامیت، روح جدیدی بر شهرهای ما بخشید، امروز تفکری مبتنی بر علم روز و ثروت تاریخی، نجات بخش خواهد بود. شناسایی و تحلیل عناصر خاص تاریخی ما، کمک خواهد کرد آگاهانه به آن چیزی برسیم که انتظار داریم تا آینده پایدار باشد؛ همان‌گونه که تفکر هوشمند دیروز، شهرها را به عنوان میراثی پایدار تا به امروز به دست ما به امانت نهاده‌اند. پشتوانه قوی فرهنگی و مذهبی کشور ما و هویتی که شهرهای ما در دوره‌های تاریخی گوناگون داشته‌اند، لزوم یک جهت‌گیری کارشناسانه در بحث سیمای شهرها

را (که یکی از شاخه‌های مدیریت شهری است) شدت می‌بخشد.

نکته آخر اینکه در تمدن اسلامی و ایرانی بین زندگی مادی و معنوی نباید هیچ فاصله‌ای وجود داشته باشد و اکنون که شهرها به عنوان محلی برای حیات مادی ما به حساب می‌آیند اگر در جهت ارتقای سطح معنوی آنها نکوشیم شاید هیچ‌گاه نتوانیم خود را به عظمت تمدن کهنمان نزدیک کنیم. در این راه شاید بازیابی معماری ایران - اسلامی در ساخت و معماری شهرها، اندیشه‌ای بلندپروازانه باشد اما حتی پیشروی در جهت نیل به این هدف، بدون توجه به نتیجه، حرکتی است که می‌تواند ما را در معماری شهرها گاهی هم که شده به سوی کیفیت راهبری کند.

## منابع و مأخذ

- ۱- آریان پور، علی رضا. پژوهشی در شناخت باغ های ایران و باغ های تاریخی شیراز، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۲- ابراهیمی، محمدحسن. میدان؛ فضای تعریف نشده شهرهای ایرانی، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- ۳- ابن حوقل، صورالارض ترجمه دکتر جعفر شعائر، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ۴- اشرف، احمد. ویژگی های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴، ۱۳۵۴.
- ۵- ایازی، سید علی نقی. تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون دینی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۶- برومند، اسفندیار. میدان، فضای شهری گمشده در شهرسازی امروز ایران، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۴.
- ۷- بemat، نجم الدین. شهر اسلامی، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۸- پیرنیا، محمدکریم. معماری اسلامی ایران، فصلنامه اثر، شماره ۱۷، ۱۳۷۱.
- ۹- توسلی، غلامعباس. جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۳.
- ۱۰- جلیط، هشام. پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۱۱- حبیبی، سید محسن. از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
- ۱۲- خیرآبادی، مسعود. شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت الله، نشر نیکا، ۱۳۷۶.
- ۱۳- رحیمی، حسین. در جستجوی شهر اسلامی پایدار، فصلنامه پیک نور (علوم انسانی)، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۶.
- ۱۴- رهنمایی، تقی شاه حسینی، پروانه، فرایند برنامه ریزی شهری ایران، انتشارات سمت، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
- ۱۵- سلطان زاده، حسینی. روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ۱۳۶۲.
- ۱۶- شفق، سیروس. پیش درآمدی بر شهر اسلامی و افتراق آن با شهر غربی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۱۷- شفق، سیروس. عناصر بازار اصفهان و موقوفات آن، میراث جاویدان، ۱۳۸۱.
- ۱۸- شکویی، حسین. جغرافیای شهری، تهران، کتاب فروشی تهران، ۱۳۵۴.
- ۱۹- عرفان، محمدهادی. معماری مساجد، فصلنامه فرهنگ یزد، سال اول، شماره ۴ و ۵، ۱۳۷۸.
- ۲۰- فکوهی، ناصر. انسان شناسی شهری، تهران، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- ۲۱- فیاض انوش، ابوالحسن. سنایی راد، عباسعلی، شاخصه های کالبد و فرهنگ خانه در منابع اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۲۲- کرنگ، مایک. جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی قرخلو، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۲۳- کیانی، محمد یوسف. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
- ۲۴- مشهدی زاده دهقانی. ناصر، تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
- ۲۵- ملکشاهی، غلامرضا. تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال اول، شماره سوم، ۱۳۸۰.
- ۲۶- منتظرالقائم، اصغر. حمیدی اصفهانی، حسین، جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۲۷- نظریان، اصغر. جغرافیای شهری ایران، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
- ۲۸- نقی زاده، محمد. بررسی ارزش باغ های سنتی در ارتقاء کیفیت محیط شهری و راهکارهای حفاظت از آنها، فصلنامه سبزینه شرق، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۲.
- ۲۹- نقی زاده، محمد. طرح کلی برنامه جامع احیاء شهر اسلامی، ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۶، دی ۱۳۸۸.
- ۳۰- نقی زاده، محمد. معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، اصفهان، انتشارات راهیان، ۱۳۸۵.
- ۳۱- یوسفی فر، شهرام. تاملاتی در شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده های میانه تاریخ ایران، فرهنگ، ۵۶، زمستان ۱۳۸۴.